

پرسش ۲۹۲: چرا مهدی (ع) به سوی اهل سنت نمی آید؟

السؤال / ۲۹۲: قال الله سبحانه وتعالى: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) ([768]) صدق الله العظيم.

خدای سبحان و متعال می فرماید: بسم الله الرحمن الرحيم « امروز دین شما را برایتان به کامل رسانیدم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم » ([769]) صدق الله العظيم.

تدل هذه الآية على إن ديننا كامل وليس بحاجة إلى أحد ليكمله، ومن يقول عكس ذلك يشكك بالقرآن وما أنزل على محمد، وأحاديث الغدير أكاذيب وضعت لتمزيق ديننا، وديننا لا يعتمد على الأشخاص، بل هو دين الله وطاعتنا لله وحده، وقد قال الله تعالى: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ...) صدق الله العظيم.

این آیه نشان می دهد که دین ما کامل است و به کسی برای کامل کردن آن نیاز ندارد و کسی که خلاف این مطلب سخن بگوید، در قرآن و آنچه بر محمد نازل شده، تشکیک روا داشته است. احادیث غدیر دروغ هایی است که برای پاره پاره کردن دین ما وضع شده است. دین ما متکی به افراد نیست بلکه این دین، دین خدا می باشد و فرمان برداری ما هم فقط از برای خداوند است. خدای تعالی فرموده است: بسم الله الرحمن الرحيم « جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده است... » صدق الله العظيم.

وليس هنا معنى التقليل من المصطفى صلوات الله عليه، بل لكي لا تصل درجة حبنا إليه بمكانة الرب. عندما أسمع خطبكم أتصور إن أهل البيت (ع) بيدهم مفاتيح الكون وكأنهم هم اللذين خلقوا الدنيا وليس الله، وحتى رسولنا الأعظم لا يذكر بقدر ما يذكرون، وتفسير القرآن لصالح أهل البيت وتكفير كل اللذين عاصروا الرسول

واختصاره على من والى أهل البيت وليس من عبد ربه، وهم من قال الله سبحانه فيهم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (قَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا) صدق الله العظيم.

این آیه برای کوچک شمردن مصطفی (ص) نیست بلکه به این دلیل است که محبت ما نسبت به او، همپایه‌ی محبت برای پروردگار تلقی نشود. وقتی سخنرانی‌های شما را می‌شنوم، گمان می‌کنم که کلیدهای هستی به دست اهل بیت (ع) است و گویی آنها هستند که دنیا را آفریده‌اند نه خدا! حتی آنقدر که از اهل بیت (ع) یاد می‌کنید، از پیامبر اعظم اسمی به میان آورده نمی‌شود. تفسیر قرآن هم به نفع اهل بیت و برای تکفیر تمام کسانی است که هم‌عصر پیامبر بوده‌اند و نیز برای منحصر کردن آن به کسانی است که موالی و دوست‌دار اهل بیت‌اند و نه آنهایی که پروردگارشان را عبادت می‌کنند؛ حال آن که خدای سبحان درباره‌ی آنها چنین فرموده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ « خدا از مؤمنان آن هنگام که در زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتحی نزدیک پادششان داد » صدق الله العظيم.

أنا أعرف ستفسروها تفسیر یخدمکم أو كما أسمع أن هذه الآية قد نسخت؛ لأن الله رضى عنهم عند فتح مكة ثم غضب عليهم.

من می‌دانم که شما این را به نفع خودتان تفسیر می‌کنید یا همان‌طور که قبلاً شنیده‌ام می‌گویید این آیه نسخ شده است چون خداوند به هنگام فتح مکه از آنها خوشنود بوده، سپس بر آنها خشم گرفته است.

الذي أسأله لماذا لا يأتي المهدي المنتظر على أهل السنة أهم كفار ولا فيهم أحد خير؟ فالرسول الأكرم أول ما دعا كفار مكة أم أنه فقط يأتي على من

يدعون الناس إلى موالاته الأئمة واختصار الإيمان من آمن بهم وليس الإيمان بالله؟

چیزی که می پرسم این است که چرا مهدی منتظر به سوی اهل سنت نمی آید؟ آیا اینها کافرند و از بین اینها حتی یک نفر هم که خیری در او باشد، یافت نمی شود؟! پیامبر اکرم اولین کسانی را که دعوت کرد، کفار مکه بودند.... آیا نکند او فقط به سراغ کسانی می رود که مردم را به دوست داشتن ائمه دعوت می کنند و ایمان را به اختصار برای کسی می داند که به آنها ایمان دارد، نه ایمان به خدا؟!!

لو كنت وصي كما تدعي فالدعوة حتى للكفار وليس على الشيعة فقط وكأنهم هم فقط خلق الله، ثم الولي لا يسب أحد ومتسامح وليس كشيعتكم نازلين سب بالخلفاء لأكاذيب اخترعوها لتمزيق ديننا، وكأنّ ديننا لعبادة آل البيت وليس الله سبحانه، ولعن أمة قتلت ابن رسولها وعدم لعن الأمة التي قتلت ابن عمّه وزوج ابنته كما يفعل خطباء قناة الزهراء نازلين سب بالعرب وتمجيد الفرس، ثم إلى متى تبقى أمة محمد تلطم على الحسين (رضي الله عنه) والقتل والإجرام فاق ما حدث في الطف، ومنهم تابعكم الذين داسوا عليه ببساطيلهم وقتلوه وتركوه ينزف دماً ... ولا زلنا نتباكي للحسين لتجعلوا منه قضية تضحكون به على السذج من الناس وكأن لم [يكن] غيره شهيداً، فحمزة عم النبي قُتل وأكل كبده ولم يلطم عليه أحد، وعمار بن ياسر بشره الله بوالديه وكانت أمه أول شهيدة بالإسلام ولم يلطم عليه أحد وغيرهم؛ لأنّ الشهادة أعظم ما تمناه آل إنسان وليس تجاره القصد منها الإساءة لأمة محمد.

المرسل: سرى - السويد

اگر شما همان طور که ادعا می کنی وصی هستی، دعوت حتی برای کفار هم هست و فقط به شیعه منحصر نمی باشد؛ گویی فقط اینها آفریده های خدای هستند. به علاوه، «ولی» به کسی فحش نمی دهد و او اهل مدارا است و مانند شیعیان شما نیست که با سب و دشنام به خلفا با اکاذیبی که خودشان برای منهدم کردن دین مان درست کرده اند، تنزل کرده باشد. گویی دین ما برای عبادت آل البيت است و نه برای عبادت

خدای سبحان، و برای لعن امتی که پسر پیامبرش را کشت و نیز برای پرهیز از لعن امتی که پسر عمویش و همسر دخترش را کشت آن گونه که سخنرانان شبکه‌ی الزهراء انجام می‌دهند؛ تا جایی که عرب را دشنام می‌دهند و فارس‌ها را تمجید می‌نمایند. تا کی امت محمد بر حسین 0 بر سر و سینه بزند و برای قتل و جنایت‌های کربلا، بیش از آنچه اتفاق افتاده است، عزاداری کند؟! برخی از پیروان شما کسانی هستند که به سادگی به خاطر آنها ویران می‌کنند و می‌کشند و خون می‌ریزند.... ما همچنان مشغول گریستن بر حسین هستیم تا شما از این قضیه یک ماجرای درست کنید تا با آن بر مردمان ساده لوح بخنید؛ گویی غیر از او اصلاً شهید دیگری وجود نداشته است. حمزه، عموی پیامبر کشته و جگرش خورده شد، ولی کسی برای او سینه نزد. همین‌طور عمار پسر یاسر، که خداوند درباره‌ی والدینش به او بشارت داده بود و مادرش نخستین زن شهید در اسلام بود. کسی به خاطر او به سر و سینه نزد، و نیز به خاطر دیگران؛ چرا که شهادت، بزرگترین آرزوی فرزندان آدم است، نه تجارتی که هدفش، اسائه و توهین به امت محمد باشد.

فرستنده: سری - سوئد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

أولاً: إنّ دعوة السيد أحمد الحسن غير مقتصرة على الشيعة، بل غير مقتصرة على عموم المسلمين، فهي لكل أهل الأرض، ومن راجع إصدارات وبيانات السيد أحمد الحسن وأنصاره يتبين له ذلك.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله
الائمة و المهدين و سلم تسليماً.

اول: دعوت سید احمد الحسن نه تنها منحصر به شیعیان و حتی محدود به عموم مسلمین نیست بلکه خطاب به تمام اهل زمین می‌باشد؛ کسی که به انتشارات و بیانیه‌های سید احمد الحسن و انصار او مراجعه کند این مطلب را درمی‌یابد.

ثانیاً: لابد للنبي محمد(ص) قبل موته أن يستخلف على الأمة من يقوم مقامه لكي لا يترك الأمة هماً بلا راع تتقاذفها أمواج الخلاف والتناحر إلى واد سحيق، ولابد أن يكون الخليفة أعلم الناس ومنصوصاً على طاعته، ولا تنطبق هذه الصفات على غير أمير المؤمنين علي بن أبي طالب(ع).

دوم: پیامبر خدا حضرت محمد(ص) می‌بایست قبل از مرگش کسی را جانشین خود بر امت کند، تا امت را رها شده و بدون سرپرست ترک ننماید تا با امواج اختلاف رویارو شود و به اختلافات گذشته سقوط کند. این جانشین قطعاً باید داناترین مردم بوده و بر طاعت او نص وجود داشته باشد. این ویژگی‌ها فقط بر امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب(ع) منطبق است و نه کس دیگر.

وأما أبو بكر؛ فهو لم يستخلفه الرسول(ص) ولم يأمر بطاعته، أضف إلى ذلك أنه لم يكن أعلم الأمة وأنتم أنفسكم تروون كيف أن أبا بكر يسأل الناس عندما يعييه الجواب.

و اما ابوبکر؛ پیامبر(ص) او را جانشین خود نکرد و به فرمان‌برداری از او دستور نداد. درضمن این مطلب را هم در نظر بگیر که او داناترین امت نبود و شما خودتان روایت کرده‌اید که چه طور ابوبکر وقتی در جواب درمی‌ماند، از مردم پرسش می‌نمود.

وأما عمر فيكفيك كلمته المشهورة (لولا علي لهلك عمر) ([770])، وقد رويتموها في مصادركم، فالقرآن ينص والسنة تنص والعقل يقر بأن تنصيب غير الأعم لقيادة الأمة مجانب للحكمة.

و اما عمر؛ جمله‌ی مشهور وی «لو لا علی لهلك عمر» ([771]) (اگر علی نبود عمر هلاک می شد) شما را کافی است. این عبارت را در منابع خودتان روایت کرده‌اید. قرآن و سنت صراحتاً بیان کرده است و عقل نیز حکم می کند که والی گرداندن فردی غیراعلم برای رهبری امت، کاری مخالف حکمت است.

وإن قلت: إن الرسول(ص) مات ولم يستخلف على الأمة.

فأقول: فهذه سنة - على فرضكم - ، فلماذا خالفها أبو بكر وأوصى بالخلافة إلى عمر بن الخطاب !!!؟!

اگر بگویی: پیامبر خدا در حالی وفات یافت که کسی را بر این امت به جانشینی خود تعیین ننمود، می گویم: چرا ابوبکر با این سنت مخالفت کرد -طبق فرض شما- و عمر بن خطاب را جانشین خود نمود؟!!

فهل كان أبو بكر أحرص على الأمة من رسول الله(ص) بحيث يوصي بالخلافة من بعده ويترك رسول الله(ص) الأمة بلا راعٍ لها !!!؟!

آیا ابوبکر بیش از پیامبر خدا(ص) بر امت حریص بوده است، به طوری که برای بعد از خودش خلیفه تعیین می کند ولی پیامبر خدا(ص) امت را بدون سرپرست به حال خود رها می نماید؟!!

فعلى الجميع أن تبحث بالدليل العلمي الرصين عن خليفة رسول الله الحق وبعد ذلك يوالوا من والاه ويعادوا من عاداه أياً كان.

همگان باید با دلیل علمی محکم و استوار به دنبال جانشین حقیقی پیامبر خدا باشند و پس از آن، کسی را که او دوست گرفته است، به دوستی بگیرند و با کسی که او دشمن گرفته است، دشمنی ورزند؛ هر کس که می‌خواهد باشد.

وَأَمَّا مَسْأَلَةُ صَحَابَةِ الرَّسُولِ (ص) فَنَحْنُ نَحْتَرِمُ وَنُقَدِّسُ مِنْ ثَبِتِ عَلِيٍّ وَصَايَا الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ (ص) بِالْكِتَابِ وَالْعِتْرَةِ وَلَا نَذِمُ إِلَّا مَنْ خَالَفَ الْكِتَابَ وَالْعِتْرَةَ، وَقَدْ نَصَّ الرَّسُولُ مُحَمَّدٌ (ص) عَلَى انْحِرَافِ بَعْضِ الصَّحَابَةِ مِنْ بَعْدِهِ:

در خصوص موضوع صحابه‌ی پیامبر (ص) نیز ما کسانی را که بر وصیت‌های پیامبر (ص) درباره‌ی کتاب و عترت ثابت قدم ماندند، محترم و مقدس می‌شماریم. ما فقط کسانی را که با کتاب و عترت از در مخالفت و سرپیچی وارد شدند نکوهش می‌کنیم. پیامبر (ص) بر انحراف برخی اصحاب پس از خودش تصریح فرموده است:

ذَكَرَ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ: (ج 5 ص 191)، وَكَذَلِكَ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ: (ج 8 ص 157): عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ إِلَى اللَّهِ حِفَاةَ عِرَاةٍ غَرَلًا، ثُمَّ قَالَ: (مَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنَا إِنََّّا كُنَّا فَاعِلِينَ) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، ثُمَّ قَالَ: أَلَا وَإِنَّ أَوَّلَ الْخَلَائِقِ يَكْسَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِبْرَاهِيمَ، أَلَا وَإِنَّهُ يَجَاءُ بِرِجَالٍ مِنْ أُمَّتِي فَيُؤْخَذُ بِهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ فَأَقُولُ يَا رَبُّ أَصْحَابِي، فَيُقَالُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بِعَدِّكَ، فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً مَا دَمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيْهِمْ، فَيُقَالُ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ مِنْذُ فَارَقْتَهُمْ).

بخاری در صحیحش (ج 5 ص 191) و مسلم در صحیحش (ج 8 ص 157) به نقل از ابن عباس آورده‌اند که گفت: پیامبر خدا (ص) خطبه‌ای خواند و فرمود: «ای مردم! شما پابرهنه و عریان و ختنه نشده در قیامت در پیشگاه خدا حاضر می‌شوید.

سپس فرمود: « و چنان که نخستین بار بیافریدیم آفرینش را از سرگیریم این وعده‌ای است که برآوردنش بر عهده‌ی ما است و ما چنان خواهیم کرد » تا آخر آیه. سپس فرمود: نخستین کسی که روز قیامت پوشانیده می‌شود ابراهیم است. بدانید به زودی مردانی از امتم آورده می‌شوند که آنها را به طرف جهنم می‌برند. من می‌گویم خدایا اصحابم! در جوابم گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنان بعد از تو چه بدعت‌هایی ایجاد کردند. در این هنگام من سخنی را می‌گویم که بنده‌ی صالح خدا (عیسی (ع)) گفت: « و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیده‌شان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیده‌شان گشتی » و خطاب می‌شود: اینان از روزی که از آنان جدا گشتی همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی برمی‌گشتند».

وذكر البخاري في صحيحه: (ج 7 ص 206): عن المغيرة، قال: سمعت ابا وائل، عن عبد الله، عن النبي(ص)، قال: (أنا فرطكم على الحوض وليرفعن رجال منكم ثم ليختلجن دوني، فأقول يا رب أصحابي، فيقال إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك).

بخاری در صحیح خود (جلد 7 صفحه 206) می‌نویسد: مغیره گفت: از ابا وائل از عبدالله شنیدم که پیامبر(ص) فرمود: «من پیشاپیش شما بر حوض وارد می‌شوم و سپس مردانی از شما را می‌شناسم که از من جدا می‌کنند و می‌گویم: خدایا! اینها صحابه‌ی من هستند. جواب می‌آید: تو نمی‌دانی که اینها بعد از تو چه بدعت‌هایی گذاشتند».

وذكر البخاري في صحيحه: (ج 7 ص 207)، وكذلك مسلم في صحيحه: (ج 7 ص 70): عن أنس، عن النبي(ص)، قال: (ليردن على ناس من أصحابي الحوض حتى إذا عرفتهم اختلجوا دوني، فأقول أصحابي، فيقول لا تدري ما أحدثوا بعدك).

بخاری در صحیحش (ج 7 ص 207) و همچنین مسلم در صحیحش (ج 7 ص 70) از انس نقل می‌کند که پیامبر(ص) فرمود: «گروهی از اصحابم در کنار حوض بر من وارد می‌شوند به گونه ای که آنان را می‌شناسم. در این هنگام میان ما فاصله می‌افتد. من می‌گویم: اصحابم! خداوند به من می‌فرماید: تو نمی‌دانی اینها بعد از تو چه کار کرده‌اند».

وذكر مسلم في صحيحه: (ج 1 ص 150): عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله(ص): (ترد على أمتي الحوض وأنا أذود الناس عنه كما يذود الرجل إبل الرجل عن إبله. قالوا: يا نبي الله أتعرفنا؟ قال: نعم، لكم سيما ليست لأحد غيركم تردون علي غرا محجلين من آثار الوضوء، وليصدن عني طائفة منكم فلا يصلون، فأقول يا رب هؤلاء من أصحابي، فيجيبني ملك فيقول وهل تدري ما أحدثوا بعدك).

مسلم در صحیح خود (جلد 1 صفحه 150) به نقل از ابوهریره آورده است: پیامبر(ص) فرمود: «امتم نزد من بر حوض می‌آیند، و من مردم را از آنان پس می‌زنم همان طوری که انسان شتران دیگران را از شترش دور می‌سازد». گفتند: ای رسول خدا! آیا ما را در آن روز خواهی شناخت؟ فرمود: «آری، چهره‌های شما با دیگران متفاوت است. شما با چهره‌ای نورانی و دست و پای درخشان بر اثر وضو بر من وارد می‌شوید، اما گروهی از شما که نماز نمی‌خواندند، از ورودشان بر من جلوگیری می‌شود. می‌گویم: پروردگارا! اینان از امتم هستند. فرشته‌ای می‌آید و می‌گوید: آیا می‌دانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟!».

وبعد ذلك لا يمكن لأحد أن يدعي ويقول بعدالة كل الصحابة وأنه لم تحدث ردة بعد رسول الله(ص) ارتد فيها كثير من الصحابة.

پس از این دیگر کسی نمی‌تواند مدعی عدالت برای تمام صحابه باشد و بگوید بعد از پیامبر خدا(ص) ارتدادی که در آن، جمع کثیری از اصحاب مرتد گشته‌اند، وجود نداشته است.

ولا يخفى أنّ الأحاديث تنص على أنّ الارتداد حصل بمجرد وفاة الرسول محمد(ص) بدليل ما جاء في الأحاديث السابقة: (.. لم يزالوا مرتدين على أعقابهم منذ فارقتهم)، ولا توجد ردّة بعد الرسول مباشرة غير الردّة عن خلافة علي بن أبي طالب (ع) ومخالفة قول الرسول محمد(ص) في النص عليه في عشرات المواطن. والحمد لله أولاً وآخراً.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)
الشيخ ناظم العقيلي

پوشیده نماند که احادیث بیان می‌دارند که به محض وفات پیامبر خدا(ص) ارتداد حاصل گشته است؛ با توجه به آنچه در روایات سابق آمده است: «... از روزی که از آنان جدا گشتی همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی برمی‌گشتند». پس از پیامبر هیچ ارتداد فوری و بی‌درنگی به جز ارتداد از خلافت علی بن ابی‌طالب(ع) و مخالفت با کلام رسول خدا(ص) در نص و صراحت بر او در دهها موضع، ارتداد دیگری وجود نداشته است. و الحمد لله أولاً و آخراً.

هیأت علمی - انصار امام مهدی(ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم عقیلی



[769] - مائده: 3.

[770] - راجع الغدير: ج 3 ص 79، حيث أورد العديد من الروايات مع مصادرها.

[771] - رجوع نمائيد به الغدير: ج 3 ص 79 كه روايات زيادي با منابع شان ذكر نموده است.